

# سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه و نقش کنوانسیون‌ها

دکتر کامران طارمی

منطقه بیشتر از سایر مناطق جهان است. آنچه قابل تأمل می‌باشد، آن است که با گذشت زمان بر شدت بحران‌ها اضافه می‌شود و در نتیجه تعداد و دامنه‌درگیری‌های نظامی نیز افزایش یافته است.

با توجه به آنچه که یاد شد، هدف این مقاله بررسی این موضوع است که با توجه به تجارب جنگ تحمیلی آیا سیاست‌هایی که جمهوری اسلامی ایران در قبال سلاح‌های کشتار جمعی اتخاذ کرده است، متضمن تأمین امنیت کشور هست یا خیر؟ در این راستا، مقاله حاضر ابتدایه بررسی وضعیت محیط امنیتی ایران از حیث گسترش یا عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی می‌پردازد تا میزان خطری را که ایران با آن روبه‌رو است بسنجد. سپس سیاست‌های ایران

## چکیده

یکی از تحولات بسیار خطرناک که ظرف چند دهه گذشته در محیط امنیتی ایران رخ نموده، مسئله گسترش سلاح‌های کشتار جمعی (شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای) است. بر طبق منابع موجود، در منطقه خاورمیانه و نیز در منطقه جنوب آسیا (هند و پاکستان) که هم‌جوار مرزهای شرقی کشور است، دست کم ۹ کشور به یک یا چند نوع از انواع سلاح‌های کشتار جمعی مجهز شده‌اند یا در این راه تلاش می‌کنند. عامل دیگری که گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در محیط امنیتی ایران را بیشتر نگران‌کننده می‌کند آن است که این منطقه بحرانی‌ترین و بی‌ثبات‌ترین منطقه جهان است. لذا احتمال به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی در این

### مقدمه

علی‌رغم این که در دو دهه اخیر تلاش‌های فراوانی برای جلوگیری از تولید، توسعه و ذخیره‌سازی سلاح‌های کشتار جمعی در سطح بین‌المللی صورت گرفته است، ولی منطقه خاورمیانه از این لحاظ نه تنها امنیت بیشتری را کسب نکرده بلکه در عمل روزه‌روز سایه یک جنگ غیرمتعارف را بیشتر بر سر خود حس می‌کند. تجربه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که طی آن نیروهای عراقی به کرات از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده و در مقابل با سکوت جامعه بین‌المللی مواجه شدند، اعتبار و کارآمدی کنوانسیون‌های بین‌المللی در این زمینه را به شدت تضعیف کرده و این بهانه را به دست سایر کشورها داده است که برای حفاظت از خود به راه‌های دیگری بیندیشند. این مقاله در پی آن است که مرور مختصری بر دلایل ضعف و ناکارآمدی سیاست‌های کنترل تسلیحات با توجه به شرایط عینی در منطقه خاورمیانه داشته باشد.

### تسلیمات کشتار جمعی در منطقه خاورمیانه

یکی از تحولات بسیار خطرناکی که ظرف چند دهه گذشته در منطقه خاورمیانه رخ داده است، مسئله گسترش سلاح‌های کشتار جمعی (شیمیایی، میکربی و هسته‌ای) است. بر طبق منابع موجود، در منطقه خاورمیانه و نیز در منطقه جنوب آسیا (هند و پاکستان) - که

در قبال سلاح‌های کشتار جمعی را که مبتنی بر تکیه بر کنوانسیون‌های بین‌المللی ممنوع‌کننده این سلاح‌هاست مورد بررسی قرار می‌دهد تا کارآیی یا عدم کارآیی این سیاست‌ها نمایان گردد. در نتیجه‌گیری، به جمع‌بندی مباحث انجام شده پرداخته و نیز بیان می‌شود که سیاست تکیه بر کنوانسیون‌های بین‌المللی منع سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی نه تنها قادر به تضمین امنیت ملی در کشور نیست، بلکه به علت ضعف‌های عدیده، تکیه بر این کنوانسیون‌ها بیشترین خطر را متوجه امنیت ملی کشور می‌گرداند. بر این اساس بیان می‌شود که ایران نیز باید مانند برخی کشورهای جسورتر نسبت به قواعد نظام جهانی که اسرائیل نیز می‌تواند از زمره آن کشورها باشد، به منظور بازدارندگی، به تولید سلاح‌های کشتار جمعی متوسل گردد. اما برخلاف کشور یادشده سیاست تولید سلاح‌های کشتار جمعی بهتر است در پوشش پایبندی به کنوانسیون‌های بین‌المللی انجام گیرد تا محدودیت‌های بیشتری برای انتقال تکنولوژی تولید سلاح‌های کشتار جمعی به ایران برقرار نگردد. همچنین بیان می‌گردد که صرف نظر از دیگر ابعاد مسئله، تجربه برخی کشورهای دیگر که شاید بتوان عراق را نیز در اعداد آنان جای داد در زمینه تولید پنهانی سلاح‌های کشتار جمعی می‌تواند تا حدی همچون الگویی برای بررسی جدی از سوی ایران نگریسته شود.

همجوار مرزهای شرقی کشور است - دست کم نه کشور به یک یا چند نوع از انواع سلاح‌های کشتار جمعی مجهز شده‌اند و یا در راه دستیابی به آن تلاش می‌کنند.

مهم‌ترین عاملی که گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه خاورمیانه را نگران‌کننده می‌کند آن است که این منطقه یکی از بحرانی‌ترین و بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان است. لذا احتمال به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی در این منطقه بیش از سایر مناطق جهان می‌باشد. مهم‌ترین شاخص بی‌ثباتی و بحران تعداد درگیری‌های مسلحانه‌ای است که از زمان پایان جنگ جهانی دوم تاکنون در این منطقه رخ داده است. بر طبق ارقام موجود از سال ۱۹۴۵ تاکنون خاورمیانه محل بروز ۷۶ درگیری نظامی بوده است که از این نظر در صدر سایر مناطق جهان قرار دارد.<sup>(۱)</sup> عوامل موجد این بحران و بی‌ثباتی متعددند. اختلافات ارضی (اعراب و اسرائیل، عراق و کویت، عراق و ایران، عراق و سوریه)، اختلافات ایدئولوژیک (ایران و عراق، ایران و اسرائیل)، رقابت‌های حزبی (عراق و سوریه) و خیزش‌های قومی (اکراد عراق و اکراد ترکیه) از مهم‌ترین این دلایل هستند. صرف نظر از عوامل موجد آن، بحران و بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه دو ویژگی دارد که آن را خطرناک‌تر می‌سازد. ویژگی نخست استحکام، استواری و دیرینه بودن عوامل موجد بحران است که سبب نهادینه شدن درگیری نظامی و تنش در منطقه شده است.<sup>(۲)</sup> علاوه بر

این، نکته قابل تأمل آن که با گذشت زمان بر شدت بحران‌ها اضافه شده است و در نتیجه تعداد و دامنه درگیری‌های نظامی نیز افزایش یافته است؛ به قسمی که ظرف ده سال گذشته منطقه خلیج فارس به تنهایی شاهد دو جنگ خانمان سوز بوده است که بیش از یک میلیون کشته و زخمی و هزارها میلیارد دلار خسارت مالی بر جای گذاشته است. طبیعی است که در چنین منطقه‌ای احتمال به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی به مراتب بیش از سایر مناطق جهان باشد. استفاده فراگیر عراق از سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ تحمیلی این نظر را تأیید می‌کند. یکی دیگر از عواملی که خطر سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه را افزایش داده است، دست یافتن کشورهای منطقه به سیستم‌های جدید با توانایی نفوذ بالا برای رسانیدن این نوع سلاح‌ها به دورترین اهداف در منطقه است. این سیستم‌ها عبارت‌اند از، موشک‌های «کروز» و موشک‌های «بالستیک» که به کشورهای دارای سلاح‌های کشتار جمعی اجازه می‌دهند اهدافی هزارها کیلومتر دورتر از مرزهای خود را با این نوع سلاح‌ها مورد حمله قرار دهند. از همین رو است که مسئله تکثیر و گسترش موشک‌های «بالستیک» و «کروز» به موازات گسترش سلاح‌های کشتار جمعی به عنوان یکی از تهدیدات جدید به شدت مورد توجه قرار گرفته است.<sup>(۳)</sup>

نکته دیگری که خطر سلاح‌های کشتار جمعی را در منطقه خاورمیانه به طور

به ایران نمود، سلاح‌های شیمیایی به عنوان سلاح‌های تاکتیکی در عرصه نبرد به کار گرفته می‌شد، اما ارتش عراق علاوه بر استفاده تاکتیکی، اقدام به استفاده استراتژیک از این تسلیحات نمود تا جنگ را به هر صورت ممکن به پایان رساند. از همین رو است که شاهد استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی بر علیه غیرنظامیان در جنگ تحمیلی بودیم تا ایران به هر صورت ممکن به سر میز مذاکره کشانده شود. این نحو استفاده سبب ارتقای سلاح‌های شیمیایی به عنوان سلاحی استراتژیک گشته است. سلاح‌های میکربی را نیز می‌توان به همین شکل استفاده کرد، از این رو باید در آینده نزدیک انتظار روی آوردن دولت‌های بیشتری در منطقه به این نوع سلاح‌ها را داشته باشیم، که احتمال گسترش و به کارگیری این گونه تسلیحات را در جنگ‌های آینده افزایش می‌دهد.

گذشته از عوامل بالا چهار عامل دیگر نیز گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه خاورمیانه را افزایش داده و در نتیجه احتمال به کارگیری این نوع سلاح‌ها را نیز بالا می‌برد. عامل نخست، عامل «تکنولوژیک» است. در طی سالیان بسیاری از قرن بیستم موانع تکنولوژیک مانع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه گردید. کشورهای در حال توسعه فاقد تأسیسات صنعتی، فناوری و منابع مالی لازم برای این امر بودند، اما با توسعه

اخص و در میان کشورهای جهان سوم به طور اعم افزایش داده است، عدم رشد و فراگیری مفاهیم و فرضیه‌های حاکم بر استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی است. این مفاهیم به نحوی که در غرب پرورانده شده است رشد نیافته به عبارت دیگر مفهوم بازدارندگی و استراتژی‌های خودداری هنوز جای خود را در دکرین نظامی کشورهای منطقه به خوبی باز نکرده است.<sup>(۴)</sup>

جنبه دیگر قضیه که بر خطر سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه خاورمیانه می‌افزاید آن است که حداقل دو کشور از کشورهای دارنده این سلاح‌ها، اسرائیل و عراق دارای استراتژی نظامی تهاجمی هستند و از سلاح‌های کشتار جمعی نه به منظور بازدارندگی، بلکه در عملیات نظامی تهاجمی سودمی جویند. استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ مانند به کارگیری موشک‌های بالستیک توسط این کشور، کاملاً جنبه تهاجمی داشت. به این معنی که عراق نه برای بازداشتن طرف مقابل از به کارگیری سلاح‌های شیمیایی اقدام به مسلح نمودن خود به این سلاح‌ها نموده و از آنها استفاده می‌کرد، بلکه این سلاح‌ها را در چارچوب عملیات نظامی روزمره خود به کار می‌برد.<sup>(۵)</sup> اتخاذ استراتژی‌های نظامی تهاجمی خود احتمال به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی را در جنگ‌های آینده افزایش می‌دهد.

در همین رابطه نکته قابل توجه دیگر، آن است که تا سال ۱۹۸۰ که عراق اقدام به حمله

تجربه ناشی از استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ جهانی اول به این نوع سلاح‌ها می‌نگریستند. جنگی که در آن ناکارآمد بودن سلاح‌های شیمیایی به جهانیان اثبات شده بود. اثرات سلاح‌های شیمیایی در این جنگ غیرقابل پیش‌بینی و منجر به از پای درآوردن سربازانی شد که علی‌رغم برخورداری از تجهیزات ضدشیمیایی مواجه با عواقب آن شدند. علاوه بر آن مخاطرات ناشی از حمل و نقل و امکان انتقال ابرهای سمی ناشی از

جدول شماره ۱- کشورهای منطقه خاورمیانه و جنوب آسیا که دارای سلاح‌های کشتار جمعی هستند یا برای دستیابی به این سلاح‌ها تلاش می‌کنند

سلاح‌های هسته‌ای	سلاح‌های بیولوژیک	سلاح‌های شیمیایی
اسرائیل	اسرائیل	اسرائیل
هند	عراق	هند
پاکستان	لیبی	پاکستان
عراق	سوریه	عراق
	هند	لیبی
		سوریه
		مصر

منبع:

Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI) Yearbook 1994; and Marvin M. Miller, "Weapons of Mass Destruction and Advanced Delivery Systems in the Middle East." in Powder Keg in the Middle East: The Struggle for Gulf Security, eds., Geoffrey Kemp and Janice Gross Stein (Lanham: Towman and Littlefield, 1995), p.270.

اقتصادی این تصویر تغییر یافته است. اکنون مواد اولیه، تکنولوژی لازم و تأسیسات صنعتی مورد نیاز برای تولید سلاح‌های شیمیایی و میکربی به راحتی در اکثر کشورهای در حال توسعه یافت می‌شود.<sup>(۶)</sup>

عامل دوم از میان رفتن موانع سیاسی موجود بر سر راه دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است. تا پیش از جنگ ایران و عراق شورهای که خواهان دست‌یابی به سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک بودند، به «توافقنامه ۱۹۲۵ ژنو» و عدم استفاده از این نوع سلاح‌ها در جنگ‌های عمده بعد از آن تاریخ نگاه می‌کردند و به این نتیجه می‌رسیدند که منافع حاصل از دستیابی به این نوع سلاح‌ها کمتر از آن است که توسط جامعه جهانی به‌عنوان ناقض قوانین بین‌المللی شناخته شده و مطرود جامعه بین‌المللی گردند. اما به‌کارگیری گسترده سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق - که با عدم واکنش جامعه جهانی مواجه شد - این قبیل نگرانی‌های سیاسی را از میان برده است. اکنون تصور عمومی بر این است که بیش از آن که جامعه جهانی در مقابل استفاده از سلاح‌های شیمیایی یا میکربی اقدامی کند، مجادله طولانی در خصوص وجود شواهد کافی و قابل قبول در مورد استفاده از این گونه تسلیحات در خواهد گرفت که این امر نهایتاً منجر به عدم هرگونه تصمیم‌گیری و گریز از مجازات کشورخاطی خواهد گشت.<sup>(۷)</sup>

سوم این که تا دهه ۱۹۸۰ اکثر فرماندهان ارتش در کشورهای جهان سوم از دیدگاه

اقدامات مربوط به کنترل تسلیحات محدود کردن بعضی جوانب مسابقه تسلیحاتی فی‌المثال از طریق ممنوع کردن نوع خاصی از تسلیحات، کاهش آزمایشات هسته‌ای و غیرنظامی کردن مناطق جغرافیایی است.<sup>(۱۰)</sup> با توجه به قدرت تخریب عظیم سلاح‌های کشتار جمعی بخش عمده‌ای از سیاست‌های کنترل تسلیحاتی معطوف به از میان بردن یا حداقل محدود کردن تولید، به کارگیری و انتقال تکنولوژی و تجهیزات لازم برای ساخت سلاح‌های کشتار جمعی گشته است.

برای مقابله با خطر سلاح‌های کشتار جمعی تاکنون پنج کنوانسیون و معاهده بین‌المللی به تصویب رسیده است، که کشورهای خاورمیانه نیز در اغلب این کنوانسیون‌ها عضویت خود را اعلام کرده‌اند (جدول شماره ۲). با این حال همان‌طور که گفته شد طی دو دهه اخیر منطقه خاورمیانه نه تنها از این خطر فاصله نگرفته است، بلکه روزه‌به‌روز زمینه‌های مساعدتری را برای به کارگیری احتمالی این سلاح‌ها فراهم می‌شود. بدون تردید ضعف و نارسایی‌های موجود در ماهیت و عملکرد این معاهدات و کنوانسیون‌هایی که از مهم‌ترین دلایل عدم کامیابی آنها در دستیابی به اهداف مورد نظر است.

اولین مشکلی که سبب تضعیف کنوانسیون‌های بین‌المللی به عنوان ابزاری برای تحکیم امنیت ملی کشورهای عضو می‌شود این است که عضویت در این کنوانسیون‌ها جنبه اختیاری دارد، یعنی دولت‌ها

به کارگیری این سلاح به سمت مناطق شهری کشور به کارگیرنده از طریق جرین باد نامساعد و اثرات بسیار مخرب آن سبب شده بود که نظامیان در کشورهای جهان سوم به محدودیت فواید نظامی سلاح‌های شیمیایی بیندیشند. اما جنگ ایران و عراق اشتباه بودن این نظریه را به اثبات رساند. پیشرفت‌هایی که در فاصله سال‌های بین پایان جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۸۰ در تکنولوژی ساخت سلاح‌های شیمیایی و تولید بمب‌ها، موشک‌ها و گلوله‌های توپ‌هاوی سلاح‌های شیمیایی رخ داده بود، سبب افزایش کارایی این سلاح‌ها در عرصه نبرد گردیده بود.<sup>(۸)</sup>

نهایتاً، وجود کانون‌های بحران نظیر مخاصمات بین اعراب و اسرائیل، عراق و کویت و کشمیر سبب بروز رقابت تسلیحاتی در منطقه خاورمیانه شده و در نتیجه دست‌یابی یک کشور به سلاح‌های کشتار جمعی، موجب تلاش دیگران برای دستیابی به توانایی‌های مشابه شده است.<sup>(۹)</sup>

### سیاست‌های کنترل تسلیحاتی: ضعف‌ها و نارسایی‌ها

سیاست‌های کنترل تسلیحات به اقدامات یک‌جانبه یا جمعی گروهی از کشورها اطلاق می‌گردد که طی آن خطر بروز جنگ کاهش داده شود. خلع سلاح محدود، ترتیبات امنیتی برای اجتناب از جنگ هسته‌ای و تثبیت سطح نیروها بخشی از این اقدامات هستند. هدف از

در پیوستن و یا عدم الحاق به این کنوانسیون‌ها بین‌المللی از جمله حقوق دولت‌هاست. همین‌مخیرند. اصل آزادی در پیوستن یا نییوستن امر تلاش‌های بین‌المللی برای از میان بردن برخاسته از پذیرش حق حاکمیت ملی کشورها سلاح‌های کشتار جمعی از طریق کنوانسیون‌های است. ازدیدگاه حقوق بین‌الملل تصمیم به بین‌المللی را به شدت تضعیف کرده است. عضویت یا عدم عضویت در کنوانسیون‌های من باب مثال در منطقه خاورمیانه، سر باز زدن



### جدول شماره ۲- وضعیت عضویت کشورهای خاورمیانه در کنوانسیون‌های

#### منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی

کشور	BTWC <sup>۱</sup>	Geneva Protocol <sup>۲</sup>	CWC <sup>۳</sup>	CTBT <sup>۴</sup>	NPT <sup>۵</sup>
الجزایر	-	-	۱۹۹۵/۷/۱۴	۱۹۹۶/۱۰/۱۵	۱۹۹۵/۷/۱۲
مصر	امضا شده تصویب نشده ۱۹۷۲/۴/۱۰	۲۱/۱۲/۶	۱۹۹۶/۱۰/۱۴	۱۹۸۱/۲/۲۶	
ایران	۷۳/۷/۲۲	۱۹۲۹/۷/۴	۱۹۹۷/۱۱/۳	۱۹۶۹/۹/۲۴	۱۹۷۰/۲/۲
عراق	۱۹۹۱/۴/۱۸	۱۹۳۱/۹/۸	-	-	۱۹۶۹/۱۰/۲۹
اسرائیل	-	۱۹۶۹/۲/۲۰	امضا شده تصویب نشده ۱۹۹۳/۷/۱۳	امضا شده ۱۹۶۹/۹/۲۵	-
لیبی	۱۹۸۲/۷/۱۹	۱۹۷۱/۱۲/۲۹	-	-	۱۹۷۵/۵/۲۶
عربستان سعودی	۱۹۷۲/۵/۲۴	۱۹۷۱/۷/۲۷	۱۹۹۶/۹/۸	-	۱۹۸۱/۱۰/۳
سودان	-	۱۹۸۰/۱۲/۱۷	-	-	۱۹۷۳/۱۰/۳۱
سوریه	امضا شده تصویب نشده ۱۹۷۲/۴/۱۴	۱۹۶۸/۱۲/۱۷	-	-	۱۹۶۹/۹/۲۴
ترکیه	۱۹۷۴/۱/۵	۱۹۲۹/۱۰/۵	۱۹۹۷/۱۲/۵	امضا شده ۱۹۹۶/۹/۲۴	۱۹۸۰/۴/۱۷
یمن	۱۹۷۹/۷/۶	۱۹۷۱/۳/۱۷	-	امضا شده ۱۹۹۶/۹/۳۰	۱۹۸۶/۵/۱۴

۱- BTWC، کنوانسیون منع توسعه، تولید و ذخیره سلاح‌های بیولوژیک و سمی و انهدام آنها.

۲- پروتکل ژنو، پروتکل منع استفاده از گازهای سمی و خفه‌کننده و سلاح‌های میکروبی.

۳- CWC، کنوانسیون منع توسعه، تولید و ذخیره سلاح‌های شیمیایی.

۴- CTBT، معاهده جامع منع آزمایش‌های هسته‌ای.

۵- NPT، معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای.

کشورها به علت نپیوستن کشور ثالثی به کنوانسیون‌های مربوطه احساس خطر کرده و خود نیز سلاح‌های کشتار جمعی تولید می‌کنند، پس از مدتی از همین سلاح‌ها نه تنها به عنوان عامل بازدارنده در مقابل کشور ثالث، بلکه به عنوان حربه‌ای بر علیه سایر دشمنان احتمالی در جنگ نیز استفاده می‌کنند. از این رو است که می‌بینیم عراق در جنگ با ایران و اکراد این کشور اقدام به استفاده گسترده و دامنه‌دار از سلاح‌های شیمیایی کرد. این امر یعنی استفاده یک دولت عضو کنوانسیون‌های منع استفاده سلاح‌های کشتار جمعی از این نوع تسلیحات سبب تضعیف بیش از پیش کنوانسیون‌ها می‌شود، زیرا باعث می‌شود تا دولت‌هایی نیز که تاکنون به تعهدات خود در چارچوب این کنوانسیون‌ها پایبند بوده‌اند، خود را ناچار به نقض تعهدات موجود و تجهیزات کشتار جمعی ببینند. تلاش‌های ایران در طول جنگ تحمیلی برای دستیابی به تسلیحات شیمیایی در پاسخ به استفاده عراق از این نوع سلاح‌ها از مصادیق بارز این مسئله است. به طور کلی می‌توان گفت که نپیوستن یک کشور به این کنوانسیون‌ها در عمل اثر «دومینو» داشته و سبب تضعیف شدید این کنوانسیون‌ها می‌شود.

ولی اثر «دومینو» به همین جا ختم نمی‌گردد بلکه ادامه می‌یابد؛ زیرا به علت وجود رقابت تسلیحاتی شدید در منطقه دستیابی یک کشور به سلاح‌های کشتار جمعی سبب می‌شود که حتی کشورهای دیگر منطقه - که حتی سلاح‌های

اسرائیل از پیوستن به کنوانسیون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی و کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک همراه با تلاش‌های موفقیت‌آمیز این کشور جهت ایجاد یک زرادخانه عظیم هسته‌ای،<sup>(۱۱)</sup> شیمیایی و بیولوژیک سبب شده است که بعضی کشورهای عضو این کنوانسیون‌ها در منطقه خاورمیانه احساس کنند امنیت ملی آنها به شدت به خطر افتاده است و در نتیجه علی‌رغم آن که عضو کنوانسیون‌های فوق می‌باشند ناچار شده‌اند برخلاف تعهداتشان در قالب این کنوانسیون‌ها به صورت پنهانی اقدام به ساخت سلاح‌های کشتار جمعی نمایند تا از این راه قدرت بازدارندگی خود را در مقابل اسرائیل افزایش دهند و در صورت شکست بازدارندگی بتوانند مقابله به مثل کنند. در واقع علت اصلی تلاش عراق برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد بازداشتن اسرائیل از استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی بر علیه کشورهای عربی بود. اما عراق به هیچ روی تنها کشوری نبود که به خاطر عدم پیوستن اسرائیل به کنوانسیون‌های مربوط به منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در صدد ساخت این سلاح‌ها برآمد؛ مصر، لیبی، سوریه و الجزایر نیز دقیقاً به همین دلیل تعهدات خود را در چارچوب کنوانسیون‌های بین‌المللی زیر پا گذاشته و به صف کشورهای دارنده سلاح‌های کشتار جمعی وارد شده‌اند.<sup>(۱۲)</sup> اما مشکل به همین جا ختم نمی‌شود. هنگامی که یک کشور یا گروهی از

کشتار جمعی بر علیه آنها استفاده نشده است - نیز به سمت تلاش برای دستیابی به این سلاح ها حرکت کنند تا امنیت خود را در مقابل کاربرد احتمالی این نوع سلاح ها در مخاصمات آتی بیمه نمایند.<sup>(۱۳)</sup> از این رو است که می بینیم کشوری نظیر عربستان نیز در حال تلاش برای دستیابی به سلاح های شیمیایی است. بنابراین نه تنها عدم پیوستن یک کشور به کنوانسیون های بین المللی منع توسعه، انباشت و استفاده از سلاح های کشتار جمعی اثرات بسیار سوئی برای تلاش های بین المللی در راه امحای این سلاح های غیر انسانی دارد، بلکه مسایل فراوان دیگری که کشورها را به سمت نقص تعهدات خود سوق می دهد، نیز از جمله عوامل ضعف و ناکارآمدی این گونه معاهدات بین المللی است. مشکل بزرگ دیگر کنوانسیون های بین المللی مربوط به سلاح های کشتار جمعی فقدان وجود مکانیزم مؤثری برای تأیید صحت پایبندی کشورهای عضو نسبت به عدم تولید، ذخیره سازی و به کارگیری سلاح های امحای جمعی است. گرچه پاره ای از مواد موجود در کنوانسیون ها به نهادهایی نظارت بر اجرای کنوانسیون این امکان را می دهد که از تأسیسات کشورهای عضو برای بررسی پایبندی آنها دیدار نمایند، اما تجربه گذشته نشان می دهد که دولت ها به طور موفقیت آمیزی توانسته اند مأموران بازرسی نهادهای مربوطه را گمراه نموده و تأسیسات تولید سلاح های شیمیایی، میکربی و هسته ای خود را از چشم آنان پوشیده نگهدارند. برای

مثال تا سال ۱۹۹۱ - که مأموران خلع سلاح سازمان ملل موسوم به «آنسکام» از عراق بازرسی به عمل آوردند - این کشور موفق شده بود که برنامه بسیار گسترده تولید سلاح های هسته ای خود را که تأسیسات فراوانی را در عراق دارا بود، از دید بازرسان سازمان بین المللی انرژی اتمی پنهان نگاه دارد. در واقع بازرسان این سازمان در گزارشی که پس از آخرین بازدید خود از عراق در سال ۱۹۸۹ به سازمان ارایه کردند، اعلام داشته بودند که دولت عراق تنها به استفاده صلح جویانه از انرژی هسته ای پرداخته و هیچ فعالیتی در جهت تولید سلاح های هسته ای در عراق صورت نگرفته است. به همین نحو عراق توانسته بوده برنامه گسترده تولید سلاح های میکربی خود را نیز از چشم سازمان ملل پنهان دارد. گرچه پس از آشکار شدن ضعف مکانیزم های بازرسی در عراق، اقداماتی توسط سازمان بین المللی انرژی اتمی انجام شد تا اختیارات گسترده تری در اختیار بازرسان قرار گیرد،<sup>(۱۴)</sup> اما بعید به نظر می رسد که این اصلاحات نیز بتوانند مانع از تلاش های کشورهای واقعا مصمم در پیشبرد برنامه تولید سلاح های کشتار جمعی به طور مخفیانه گردند و این گونه کشورها را از این امر باز دارند. کشورهای پیشرفته نیز خود به طور مستقیم از طریق تشکیل گروه های عرضه کنندگان، بر ناتوانی کنوانسیون ها در زمینه ایجاد اطمینان در پایبندی به تعهدات از سوی اعضای صحه گذاشته اند؛ چرا که هدف

اقتصادی خود را - که در برابر اقدام متقابل کشور خاخی آسیب پذیر است - به خطر اندازند. لذا در عمل تنها راه مؤثر اقدام از طریق سازمان ملل متحد است، اما هر اقدام عملی برای مجازات کشور خاخی منوط به موافقت اعضای دائمی شورای امنیت می باشد. عملکرد اعضای دائمی شورای امنیت در گذشته عملاً نشان می دهد که واکنش در قبال کشور خاخی تابع ملاحظات سیاسی است و چه بسا این ملاحظات ایجاب کند که نه تنها هیچ اقدامی بر علیه کشور خاخی صورت نگیرد، بلکه تمام تلاش ها نیز برای مصونیت کشور خاخی به کار گرفته شود. تجربه به کارگیری سلاح های شیمیایی توسط عراق در طی جنگ تحمیلی یکی از بهترین مصادیق این موضوع را فراهم می کند.

برای اولین بار عراق در آبان ماه سال ۱۳۵۹، به منظور اشغال سوسنگرد از سلاح های شیمیایی بر علیه نیروهای ایرانی استفاده نمود. از آن پس استفاده عراق از سلاح های شیمیایی با تناوب و شدت بیشتر ادامه یافت. در این حملات عراق از گاز خردل، گاز بوتان و گاز سیانور استفاده نمود. بعد از شکایت ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد، دبیرکل وقت هیئتی از بازرسان این سازمان را در اواخر اسفند ماه سال ۱۳۶۳ به ایران اعزام نمود. این هیئت بعد از دیدار از محل حملات شیمیایی در جبهه های جنگ طی گزارشی به دبیرکل اعلام نمود که بدون هیچ شک و تردیدی عراق حداقل یک بار

گروه های عرضه کننده مانند گروه استرالیا و گروه عرضه کنندگان هسته ای آن است که میان کشورهای دارای تکنولوژی تولید سلاح های کشتار جمعی هماهنگی و وحدت رویه ای به وجود آید تا از آن طریق مانع انتقال تکنولوژی و تجهیزات فنی لازم به کشورهای در حال توسعه برای تولید سلاح های کشتار جمعی گردند.<sup>(۱۵)</sup> موفقیت تلاش های پنهانی بعضی کشورهای عضو در تولید سلاح های کشتار جمعی می تواند عواقب امنیتی وخیمی برای آن دسته از اعضا که به تعهدات خود پایبند بوده اند، به وجود آورد، زیرا در صورت بروز جنگ خود را در رویی خصمی می یابند که به سلاح های کشتار جمعی مجهز است و ابایی در استفاده از این گونه سلاح ها ندارد.

نقطه ضعف بسیار مهم دیگر کنوانسیون های مربوط به سلاح های کشتار جمعی آن است که در مفاد این کنوانسیون ها هیچ گونه مجازات مشخصی برای اعضای که با تولید آشکار یا پنهانی سلاح های کشتار جمعی کنوانسیون ها را نقض می کنند در نظر گرفته نشده است. در نتیجه عملاً دو راه پیش پای اعضای باقی می ماند یا آن که به طور یک جانبه اقدام به در نظر گرفتن مجازات برای کشورهای خاخی بنمایند، یا آن که از طریق سازمان ملل متحد دست به اقدام جمعی بزنند. اما تجارب گذشته نشان می دهد که اقدامات یک جانبه مؤثر نیست و بسیاری از کشورها حاضر نیستند با اعمال مجازات های یک جانبه منافع سیاسی و

اقدام به بمباران نیروهای ایرانی با بمب‌های حاوی گاز خردل نموده است. دبیرکل یافته‌های هیئت را طی نامه‌ای به اطلاع اعضای شورای امنیت رساند. علی‌رغم این که عراق عضو پروتکل ۱۹۲۵ ژنو بود و بر طبق قوانین بین‌المللی رژیم این کشور به سبب استفاده از سلاح شیمیایی جنایتکار جنگی محسوب می‌شد، اما شورای امنیت سازمان ملل متحد بدون نام‌بردن از عراق صرفاً به محکومیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ اکتفا کرد.<sup>(۱۶)</sup>

در خودداری شورای امنیت سازمان ملل متحد از محکومیت عراق و وضع مجازات بر علیه دولت این کشور درس‌های مهمی نهفته است. نخست آن که قدرت‌های بزرگ - که اعضا دائمی شورای امنیت هستند - حاضر نیستند نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی توسط متحدین خود را محکوم کرده و در دفاع از اعتبار این کنوانسیون‌ها اقدام به اعمال مجازات‌های حقیقی و سنگین بر علیه کشور خاطی بنمایند. در این مورد، چون عراق به نیابت از دو ابرقدرت و متحدین آنها با ایران می‌جنگید تمایلی برای معرفی رژیم عراق به عنوان جنایتکار جنگی و اعمال مجازات بر علیه آن وجود نداشت. همین امر به وضوح به تمامی اعضای جامعه بین‌الملل نشان داد که این کنوانسیون‌ها به هیچ روی قابل اعتماد نیستند و هر کشوری که برای حفظ امنیت خود تنها به کنوانسیون‌ها تکیه‌نمایند، مانند ایران

شدیداً نادم و پشیمان خواهند شد. نتیجه طبیعی حمایت ضمنی سازمان ملل متحد از عراق، تشجیع این کشور بود. در حالی که تا پیش از سال ۱۳۶۳ عراق به ندرت از سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌کرد، اما بعد از آن سال اقدام به استفاده مستمر و گسترده تراز این تسلیحات در صحنه جنگ نمود. علاوه بر آن عراق که تا پیش از این از سلاح‌های شیمیایی به صورت تاکتیکی در پشتیبانی از عملیات جنگی خود استفاده می‌کرد، اقدام به استفاده از این تسلیحات علیه غیرنظامیان در شهرها و روستاهای ایران و کردستان عراق نمود. در ۲۱ فروردین ۱۳۶۶ عراق خرمشهر را مورد حمله شیمیایی قرار داد. سپس اقدام به بمباران شیمیایی روستاهای کردستان ایران و عراق کرد که منجر به شهادت و مجروح شدن بسیاری از شهروندان ایرانی و کرد عراقی شد. شدیدترین این حملات بمباران شیمیایی سردشت در تیر و مرداد سال ۱۳۶۶ و حمله شیمیایی به سومار در آبان ماه همان سال بود. حمله شیمیایی به شهر حلبچه در فروردین ماه سال ۱۳۶۷ - که منجر به قتل ۵ هزار تن از مردم بی‌دفاع این شهر شد - شدیدترین حمله شیمیایی عراق در طول جنگ بود. به این ترتیب سلاح‌های شیمیایی از یک ابزار تاکتیکی تبدیل به سلاحی استراتژیک شد که دولت عراق با استفاده از آن بر علیه اهداف غیرنظامی تلاش می‌کرد ایران را وادار به خاتمه جنگ نماید و در این راه موفق نیز بود، زیرا که یکی از دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نگرانی ایران نسبت

فعالیت پرداخته است، با این حال گزارش های رؤسای «آنسکام» ابتدا رالف ایوکوس و سپس ریچارد باتلر به اعضای شورای امنیت حاکی از آن است که عراق از همکاری صادقانه با «آنسکام» خودداری نموده و به طور سازمان یافته ای اقدام به اختفای برنامه های سلاح های کشتار جمعی خود، پنهان نمودن تجهیزات لازم و اسناد مربوط نموده است، به نحوی که بعد از گذشت قریب یک دهه فعالیت «آنسکام» هنوز قادر به تعیین دامنه کامل فعالیت های عراق در جهت تولید سلاح های کشتار جمعی و انهدام همگی تأسیسات ساخت سلاح های کشتار جمعی عراق نگشته است. در واقع اسناد کشف شده از سوی سازمان ملل متحد حاکی از آن است که به موازات از بین بردن تأسیسات و تجهیزات ساخت سلاح های کشتار جمعی توسط «آنسکام» دولت عراق اقدام به ساخت تأسیسات تازه و جایگزین نمودن تجهیزات منهدم شده نموده است. مهم تر از همه آن که به اقرار خود سازمان ملل متحد «آنسکام» توانایی از بین بردن مهم ترین عنصر برنامه سلاح های کشتار جمعی عراق، یعنی نیروهای متخصص و اطلاعات فنی لازم برای ساخت این تسلیحات را نداشته و در صورتی که به فرض محال «آنسکام» تمامی تأسیسات و تجهیزات مربوط را منهدم نماید، عراق پس از لغو مجازات های وضع شده از طرف سازمان ملل متحد با تکیه بر نیروهای متخصص خود قادر خواهد بود پس از مدت اندکی مجدداً برنامه های سلاح های

به استفاده عراق از سلاح های شیمیایی بر علیه شهرهای بزرگ نظیر تهران، اصفهان یا شیراز بود.

یکی دیگر از پیامدهای سکوت اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد در برابر نقض بی محابای پروتکل ۱۹۲۵ ژنو توسط عراق، بی اعتبار شدن این پروتکل و نهایتاً کنار گذاشتن آن بود. به نحوی که بعد از پایان جنگ ایران و عراق در آگوست سال ۱۹۸۸، تلاش های بین المللی برای دست یافتن به معاهده ای جدید برای ممنوع ساختن استفاده از سلاح های شیمیایی آغاز شد که در سال ۱۹۹۳ تحت عنوان «کنوانسیون سلاح های شیمیایی» شکل نهایی به خود گرفت. گرچه این کنوانسیون علاوه بر ممنوع نمودن به کارگیری سلاح های شیمیایی، تحقیق در زمینه سلاح های شیمیایی و تولید این سلاح ها را نیز ممنوع می نماید، با این وجود مانند پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، هیچ مجازات مشخصی برای ناقضین آن در نظر گرفته نشده است. مهم تر این که حتی اگر سازمان ملل متحد نیز اقدام به وضع مجازات های شدید بر علیه کشور خاطی بنماید، باز هم تضمینی وجود ندارد که کشور خاطی سلاح های کشتار جمعی خود را معدوم نماید. نمونه بارز این امر عراق است. گرچه قطعنامه های صادره از سوی شورای امنیت مقرر داشته است که عراق تمامی سلاح های کشتار جمعی خود را از میان برد و کمیسیونی نیز به نام «آنسکام» از سال ۱۹۹۱ برای این منظور تشکیل شده و در عراق به

کشتار جمعی خود را راه اندازی نماید و بار دیگر تهدید و ارباب کشورهای منطقه را از سر بگیرد.<sup>(۱۷)</sup>

یکی دیگر از نقاط ضعف مهم کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد سلاح‌های کشتار جمعی این است که هیچ تضمینی برای حفظ امنیت کشورهای کوچک عضو کنوانسیون از طرف قدرت‌های بزرگ عضو در صورت کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی از سوی کشورهای ثالث - که ممکن است عضو کنوانسیون‌های فوق باشند یا نباشند - در نظر گرفته نشده است. لازم به یاد آوری است که کنوانسیون‌های مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی عمدتاً از سوی کشورهای قدرتمند تدوین شده است و علت آن که کشورهای جهان سوم به آنها می‌پیوندند آن است که با ممنوع نمودن این نوع سلاح‌ها امنیت ملی خود را تحکیم کنند. اما در عمل هیچ تضمینی در این کنوانسیون‌ها وجود ندارد که کشورهای قدرتمند را ملزم به دفاع از کشورهای عضو در مقابله حمله و یا تهدید احتمالی در مقابل اعضای و یا غیراعضای کنوانسیون بنماید.

به عبارت دیگر دولت‌های جهان سوم با پیوستن به این کنوانسیون‌ها از تنها وسیله دفاع مشروع خود در برابر سلاح‌های کشتار جمعی، یعنی داشتن سلاح‌های مشابه صرف نظر می‌کنند بدون آن که از جانب قدرت‌های بزرگ تضمین عملی برای دفاع در صورت مورد تهدید قرار گرفتن توسط سلاح‌های کشتار جمعی دریافت کنند. این بدان معنی است که اگر در

آینده کشوری مانند ایران مجدداً از سوی عراق، اسرائیل یا هر کشور دیگر صاحب سلاح‌های کشتار جمعی مورد تهدید قرار گیرد، کشورهای قدرتمند عضو کنوانسیون هیچ مسئولیتی برای دفاع از ایران در مقابل تهدید خارجی نخواهند داشت.

نقطه ضعف دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی یاد شده عدم پایبندی اعضا به مفاد کنوانسیون‌هاست. بسیاری از کشورهای عضو که فاقد سلاح‌های کشتار جمعی بوده‌اند یا هستند، از این کنوانسیون‌ها به عنوان پوششی برای اختفای برنامه سلاح‌های کشتار جمعی خود استفاده می‌کنند. عراق و مصر از این دسته کشورها هستند. برای مثال عراق علی‌رغم عضویت در کنوانسیون‌های منع سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای، از نیمه دهه ۱۹۷۰ اقدام به خرید تکنولوژی، کارخانه‌های ساخت مواد اولیه تسلیحات شیمیایی و تربیت متخصص برای تولید این گونه سلاح‌ها نمود. همچنین به طور هم‌زمان اقدام به عقد قرارداد جهت ساخت راکتورهای هسته‌ای، به دست آوردن اورانیوم غنی شده و پلوتونیوم، کارخانه‌های غنی‌سازی اورانیوم و تربیت پرسنل متخصص برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای نمود.<sup>(۱۸)</sup>

سال‌های دهه ۱۹۷۰ هم چنین شاهد تلاش عراق برای خرید مواد اولیه، تجهیز آزمایشگاه‌های لازم و تربیت پرسنل جهت تولید سلاح‌های میکروبی بود. در این راستا عراق از کمک‌های گسترده مالی سایر کشورهای عضو

کنوانسیون‌ها بوده‌اند- نیز سهم عمده‌ای در نقض کنوانسیون‌ها و در نتیجه تضعیف آنها داشته‌اند. این تضعیف‌ها از طرق مختلف صورت گرفته است، مهم‌ترین شکل آن انتقال تکنولوژی و فروش تجهیزات به سایر اعضای کنوانسیون است. از این دست می‌توان به ساخت کارخانه‌های تولید مواد اولیه سلاح‌های شیمیایی تحت عنوان کارخانه‌های سموم دفع آفات نباتی توسط شرکت‌های آلمانی در عراق اشاره کرد. همان‌گونه که «کیث تیمرمن» به‌طور مستند نشان داده است شرکت‌های غربی با علم به این که هدف اصلی از ساختن این کارخانه‌ها تولید سلاح‌های شیمیایی بود اقدام به ساخت این کارخانه‌ها در عراق نمودند. ساخت نیروگاه‌های به ظاهر تحقیقاتی، فروش اورانیوم غنی شده به عنوان «سوخت» برای این نیروگاه‌ها و فروش تکنولوژی ساخت دستگاه سانتریفیوژ برای تولید اورانیوم غنی شده به عراق از نمونه‌های بارز انتقال تکنولوژی‌های ممنوعه به این کشور می‌باشد. نکته قابل توجه این است که فروش این مواد و تجهیزات با اطلاع کامل دولت‌های غربی صورت می‌گرفت که مجوزهای صادرات لازم را در اختیار شرکت‌های مربوطه قرار می‌دادند.<sup>(۲۱)</sup> انتقال تکنولوژی‌ها و تجهیزات ساخت سلاح‌های کشتار جمعی اعم از شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای به عراق تنها یکی از موارد بی‌شمار فروش غیرقانونی به اعضای کنوانسیون‌ها است. انگیزه‌های

بهره‌مند بود. برای مثال در سال ۱۹۸۵ دولت عربستان ۵ میلیارد دلار کمک مالی برای تولید سلاح‌های هسته‌ای در اختیار عراق قرار داد.<sup>(۱۹)</sup> دولت مصر نیز با فرستادن پرسنل متخصص خود در زمینه فیزیک هسته‌ای به برنامه ساخت بمب‌های اتمی عراق کمک شایانی نمود.<sup>(۲۰)</sup>

اما نقض کنوانسیون‌ها توسط اعضا همیشه به صورت مستقیم صورت نمی‌گیرد. همان‌طور که در بالا اشاره شد، گاهی بعضی از اعضا که خود از سرمایه یا نیروی انسانی متبحر کافی برخوردار نیستند، به سایر اعضا برای دست‌یابی به چنین تسلیحاتی کمک می‌کنند. مثلاً در سال ۱۹۸۵ دولت عربستان - که از نیروی متخصص کافی جهت ساخت سلاح‌های هسته‌ای برخوردار نبود- به برنامه سلاح‌های هسته‌ای عراق کمک مالی کرد و هم چنین بعضی از تجهیزات بسیار حساس را که عراق خود قادر به خرید از ایالات متحده آمریکا نبود به نیابت از عراق برای آن کشور خریداری کرد. دولت مصر نیز که به علت دسترسی به سرمایه کافی قادر به تولید تسلیحات هسته‌ای نبود، پرسنل متخصص خود در زمینه فیزیک هسته‌ای را جهت تولید سلاح‌های هسته‌ای در اختیار دولت عراق داد.

اما نقض عامدانه کنوانسیون‌های مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی تنها توسط بعضی کشورهای ضعیف جهان سوم که به عضویت این کنوانسیون‌ها درآمده‌اند صورت نمی‌گیرد، بلکه کشورهای پیشرفته نیز - که خود بانی این

اصلی دولت‌های قدرتمند معمولاً ترکیبی از عوامل سیاسی و اقتصادی است. در مورد عراق تقویت ارتش رو به اضمحلال عراق در طی جنگ و سرپا نگهداشتن این رژیم در مقابل ضربات سنگینی که از سوی رزمندگان اسلام به آن وارد می‌شد و نیز وادار کردن ایران به خاتمه جنگ با تهدید به حملات شیمیایی بر علیه شهرها از انگیزه‌های اصلی کشورهای غربی در تجهیز عراق به این قبیل تسلیحات بود.

علاوه بر فروش تکنولوژی و تجهیزات ممنوعه به کشورهای عضو، کشورهای پیشرفته همین تجهیزات را در اختیار کشورهای غیر عضو نیز قرار داده‌اند. انتقال تکنولوژی ساخت سلاح‌های هسته‌ای به اسرائیل توسط آمریکا و فرانسه، نمونه‌ای از جمله اقداماتی است که تحت مفاد معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای - که این هر دو کشور عضو آن هستند - به کلی ممنوع شده است. این قبیل اقدامات سبب بی‌اعتباری این کنوانسیون‌ها شده از کارایی آنها به عنوان وسیله‌ای برای از میان بردن سلاح‌های کشتار جمعی به شدت می‌کاهد.

یکی از موارد دیگر نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی توسط قدرت‌های بزرگ به صورت نقض تعهدات موجود در مقابل کشورهای ضعیف‌تر است. یکی از موارد عمده نگرانی کشورهای جهان سوم در این خصوص آن است که مبادا پیوستن به کنوانسیون‌های مزبور

مانع از دست‌یابی آنها به تکنولوژی‌های لازم برای مصارف صلح‌آمیز از تکنولوژی هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک شود. برای از میان بردن چنین خطری در مفاد کنوانسیون‌ها، کشورهای پیشرفته موظف به ارایه تکنولوژی‌های لازم در جهت استفاده صلح‌آمیز از موادهسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک به کشورهای عضو کنوانسیون شده‌اند تا اسباب عقب ماندگی تکنولوژیک آنها در این زمینه نگردند.

ماده ۳ کنوانسیون منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای اعلام می‌دارد:

اقدامات حفاظتی ضروری دانسته شده توسط این کنوانسیون به نحوی اجرا خواهد شد که از ایجاد مانع برای توسعه اقتصادی و فنی اعضا (کنوانسیون) یا همکاری بین‌المللی در زمینه همکاری‌های هسته‌ای صلح‌آمیز من جمله مبادله مواد و تجهیزات هسته‌ای به منظور عمل آوردن، استفاده یا تولید مواد هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز بر طبق مفاد این ماده و اصل حفاظت قید شده در مقدمه معاهده نگردد. (۲۲)

ماده ۴ کنوانسیون منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای اشعار می‌دارد:

هیچ چیز در این معاهده به نحوی تفسیر نخواهد شد که بر حق لاینفک تمامی اعضای معاهده برای توسعه، تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای

### مقاصد صلح آمیز بدون تبعیض و در تبعیت با مواد ۱ و ۲ این معاهده تاثیر گذارد. (۲۳)

متأسفانه کشورهای پیشرفته برخلاف تعهدات خود به انحای مختلف از انتقال تکنولوژی به کشورهای جهان سوم - که به تعهدات خود در قالب کنوانسیون‌های مزبور عمل کرده‌اند ممانعت ورزیده‌اند. این امر به خصوص در مورد کشورهای صادق است که مانند ایران رابطه سیاسی حسنه‌ای با کشورهای غربی نداشته‌اند. مثال‌های زیادی از این دست موجود است. فشار آمریکا به روسیه برای لغو تکمیل پروژه نیروگاه هسته‌ای بوشهر، فشار آمریکا به هند برای لغو فروش راکتور تحقیقاتی به ایران، فشار آمریکا به چین برای خودداری از همکاری هسته‌ای با ایران، جلوگیری آمریکا از فروش راکتور تحقیقاتی و تربیت متخصصین هسته‌ای ایران در آرژانتین از موارد آشکار نقض تعهدات بزرگ در قالب کنوانسیون‌های فوق است. (۲۴) اعمال این قبیل محدودیت‌ها علیه ایران در زمانی صورت می‌گیرد که مسئولین آژانس انرژی اتمی بین‌المللی خود اذعان دارند که از میان کشورهای عضو کنوانسیون بیشترین بازرسی‌ها را از تأسیسات هسته‌ای ایران به عمل آورده‌اند و همه ساله در گزارش‌های خود صلح آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران را مورد تأیید قرار داده‌اند.

نقض قوانین تنها مربوط به کنوانسیون منع گسترش تسلیحات هسته‌ای نیست، بلکه

کنوانسیون مربوط به سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک را نیز در بر می‌گیرد. گرچه بر اساس کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی دولت ایران متعهد شده است که اقدام به تولید و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی ننماید و بر اساس مواد کنوانسیون اجازه دسترسی به مواد اولیه شیمیایی مورد نیاز خود و تأسیسات و تجهیزات لازم برای ساخت آنها را در کشور دارد، با این وجود کشورهای غربی به ویژه آمریکا به بهانه این که ایران در خفا درصد تولید سلاح‌های شیمیایی است، از انتقال مواد اولیه شیمیایی و ساخت کارخانجات تولید بعضی مواد شیمیایی خودداری می‌کنند. این در حالی است که دول غربی از جمله آمریکا هیچ سند و مدرک قانع کننده‌ای دال بر وجود کارخانه‌های ساخت سلاح‌های شیمیایی در اختیار جامعه جهانی و به خصوص نهادهایی که وظیفه بازرسی از کشور و تعیین پایبندی یا عدم پایبندی ایران به کنوانسیون را داشته‌اند، ارائه نداده است. دولت‌های غربی با تشکیل گروه‌هایی نظیر «گروه استرالیا» سعی دارند که از انتقال مشروع تکنولوژی لازم برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای و تأسیسات لازم برای ساخت مواد شیمیایی در کشورهای جهان سوم جلوگیری به عمل آورند.

### پانوشته‌ها

۱- منظور از درگیری مسلحانه، عملیات نظامی مستقیمی



- 4- Efraim Karsh, Martin S. Navias and Philip Sabin, **Non Conventional Weapons Proliferation in the Middle East: Tackling the Spread of Nuclear, Chemical and Biological Weapons**, (Oxford: Clarendon Press, 1995), p. 3.
- 5- Shahram Chubin, "Iran and the Lessons of the War with Iraq: The Implications for Future Defense Policies", **Arms Control and Weapons Proliferation in the Middle East and South Asia**, eds., Shelley A. Stahl and Geoffrey Kemp (New York: St. Martin's Press, 1992), p. 102.
- 6- Brad Roberts, "The Strategic Implications of Chemical Weapons Proliferation" **Arms Control and Weapons Proliferation in the Middle East & South Asian**, eds., Shelley A. Stahl and Geoffrey Kemp (New York: St. Martin's Press, 1992), p. 32.
- 7- Karsh, Navias, and Sabin, **Non-Conventional Weapons Proliferation in the Middle East**, p.1; and Roberts "The Strategic Implications of Chemical Weapons Proliferation", p. 32.
- 8- *Ibid.*, p. 33.
- 9- Cordesman, **Weapons of Mass Destruction in the Middle East**, p. 6.
- 10- Jack C. Plano and Roy Olton, **The International Relations Dictionary**, (Santa Barbar, Calif.: ABC-Clio, 1988).
- ۱۱- برای اطلاعات بیشتر در مورد زرادخانه هسته‌ای اسرائیل نگاه کنید به:  
Seymour Hersch, **The Sampson Option**, (New York: Random House, 1991).
- ۱۲- Kathleen C. Bailey, **Doomsday Weapons in the Hands of Many: The Arms Control Challenge of the '90s**, (Urbana and Chicago: University of Illinois Press,

است که آشکارا توسط نیروهای نظامی یک کشور در خاک کشوری دیگر به نحوی انجام پذیرد که خطر نبرد فوری و در نتیجه جنگ را در صورت برخورد با مقاومت مسلحانه به دنبال داشته باشد.

Herbert K. Tillema, **International Armed Conflict Since 1945: A Bibliographic Handbook of Wars and Military Intervention**, (Boulder: Westview Press, 1991), pp. 130-187.

2- Anthony H. Cordesman, **Weapons of Mass Destruction in the Middle East** (London: Brassey's , 1991).

۳- برای اطلاعات بیشتر در مورد تکثیر موشک‌های بالستیک و کروز در خاورمیانه و جنوب آسیا نگاه کنید به:

S. Benson, "Middle East, NATO Missile Defenses and Mediterranean Security", **Mediterranean Quarterly**, vol.8, no.4 (1997);

Joseph S. Bermudez, "Ballistic Missiles in the Third World: Iran's Medium Range Missiles", **Jane's Intelligence Review**, (April 1992); and Joseph S. Bermudez, "The Syrian Missile Threat", **Marine Corps Gazette** (January 1985);

W. Seth Carus, **Ballistic Missiles in the Third World: Threat and Response**, (New York: Praeger, 1990);

Theodore Hotchkiss Clark, **The Proliferation of Surface-to-Surface Missiles & Weapons of Mass Destruction & the Emerging Role of Tactical Missiles**, (Ph.D. dissertation, Fletcher School of Law and Diplomacy, Tufts University, 1993); and David S. Dantzi, **The Spread of Long Range Missiles to Developing Countries**, Washington, D.C.: Wisconsin Project on Nuclear Arms Control, (15 December 1989).

سلاح‌ها است. این گروه بعد از انفجار هسته‌ای هند در سال ۱۹۷۴ تشکیل شد. برای دستیابی به لیست کشورهای عضو نگاه کنید به:

**Ibid.**, p. 346.

16- **Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI) Yearbook** 1985, pp. 182-3.

17- Spector, "Nuclear Proliferation in the Middle East: The Next Chapter Begins", p.141.

۱۸- برای کسب اطلاع بیشتر نسبت به مسلح کردن عراق به سلاح‌های کشتار جمعی توسط کشورهای غربی نگاه کنید به:

Kenneth R. Timmerman, **The Death Lobby: How the West Armed Iraq**, (Boston: Houghton Mifflin Company, 1991).

19- Marie Colvin, "Britain's Gulf War Ally Helped Saddam Build Nuclear Bomb", **Sunday Times**, (24 July 1995), pp. 1-2

20- Victor Ostrovsky and Clair Hoy, **By Way of Deception**, (New York: St. Martin's Press, 1990), Prologue: Operation Sphinx, pp.1-50.

21- Timmerman, op.cit.

22- **United States Arms Control and Disarmament Agency, Arms Control and Disarmament Agreements: Texts and Histories of Negotiations** (Washington, D.C.: USA CDA, 1990), pp. 94-100.

23- **Ibid.**

۲۴- برای مثال نگاه کنید به:

**Middle East Economic Digest (MEED)**, vol. 34, no 26, (6 July 1990), p. 14; **MEED**, vol. 35, no. 45, (15 November 1991), p. 14; and **MEED**, vol. 35, no 47, (29 November 1991), p. 24.

1991), p. 66.

13- Cordesman, **Weapons of Mass Destruction in the Middle East**.

۱۴- از جمله این اقدامات می‌توان به احیای حق بازرسی ویژه و ایجاد واحدی مخصوص برای دریافت و ارزیابی اطلاعات در مورد وجود تأسیسات پنهانی و مشکوک در کشورهای عضو اشاره کرد.

Leonard Spector, "Nucler Proliferation in the Middle East: The Next Chapter Begins", **Non Conventional Weapons Proliferation in the Middle East: Tackling the Spread of Nuclear, Chemical and Biological Capabilities**, eds., Efraim Karsh, Martin s. Navias, and Philip Sabin, p. 156.

۱۵- گروه استرالیا-که تا سال ۱۹۸۷ تحت عنوان «باشگاه بروکسل» شناخته می‌شد- مجموعه‌ای از سه کشور است که فهرستی از ۵۰ ماده شیمیایی که در ساخت سلاح‌های شیمیایی کاربرد دارند تهیه کرده و در اختیار بخش خصوصی در کشورهای خود قرار داده‌اند و از آنها خواسته‌اند از صدور این مواد بدون اجازه دولت خودداری کنند. علاوه بر آن، اعضای گروه استرالیا فهرست کوتاه‌تری از مواد شیمیایی را تهیه کرده‌اند که صادرات آنها تابع مقررات دولتی است. به پیشنهاد استرالیا اعضای این گروه هر سال دو بار ملاقات می‌کنند تا تصمیم بگیرند چه مواد شیمیایی در فهرست کنترل صادرات هر کشور قرار گیرد. برای مشاهده فهرستی از اعضای گروه استرالیا مراجعه کنید به:

**Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI) Yearbook** 1997, p. 340.

گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای گروهی است برای بحث، تبادل نظر و نیز هماهنگ کردن سیاست‌های کنترل صادرات مواد، ماشین‌آلات و تجهیزات که می‌توانند در تولید سلاح‌های هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرند. هدف از تشکیل این گروه ممانعت از دستیابی کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای به این